

کتاب دانیال — نمبر ایک سو پندرہ

آشکار ساختن ویژگی‌های نبوی نسل آخر

Jeff Pippenger

2024-03-04

در نسل واپسین قومی که از آنان عبور می‌شود، برخی ویژگی‌های نبوی معین می‌گردد. پس ایشان نسلی از افعیان‌اند، زیرا خوی شیطان را در خود پدید آورده‌اند. آنان نسلی از زناکاران‌اند، زیرا پیوندهایی ناتقدیس‌یافته با دشمنان خدا برقرار ساخته‌اند. به نقطه‌ای رسیده‌اند که می‌بینند، اما نمی‌فهمند؛ می‌شنوند، اما درک نمی‌کنند، زیرا نامبدل‌اند، و این به صورت فریه شدن دل‌های ایشان به تصویر کشیده شده است. موسی نخستین بار همین پدیده را مورد خطاب قرار داد.

و موسی نے تمام اسرائیل کو بلایا اور اُن سے کہا، تم نے اپنی آنکھوں سے وہ سب کچھ دیکھا ہے جو خداوند نے مصر کی سرزمین میں فرعون اور اُس کے سب خادموں اور اُس کے سارے ملک کے ساتھ کیا؛ وہ عظیم آزمائشیں جو تیری آنکھوں نے دیکھیں، وہ نشانیاں اور وہ بڑے بڑے معجزے۔ لیکن خداوند نے آج کے دن تک تمہیں ایسا دل نہیں دیا کہ سمجھو، نہ ایسی آنکھیں کہ دیکھو، اور نہ ایسے کان کہ سنو۔ استثنا 2:29-4.

در نخستین اشاره به پدیده لائودیکیه‌ای دیدن و شنیدن، آنچه قوم خدا از دیدن آن ناتوان‌اند، آیات و عجایب تاریخ بنیادین ایشان است. ارمیا این پدیده را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های «باکره‌های نادان» در ایام آخر معرفی می‌کند، و آن را نمود امتناع باکره‌های نادان از پذیرفتن پیام‌های سه فرشته می‌داند؛ امتناعی که با اعلام فرشته اول مبنی بر ترسیدن از خدای خالق آغاز می‌شود. به سبب این عصیان، ایشان باران آخر را دریافت نمی‌کنند.

मूर्ख हे, सुनो यह अब, हुए कहते यह, करो प्रचार इसका मैं यहूदा और, करो मैं घराने के याकूब घोषणा इसकी मुझ तुम क्या नहीं। सुनते वे पर, हैं कान जनिके; नहीं देखते वे पर, हैं आंखें जनिकी; लोगो रहति से समझ और लयि के समुद्र जसिने, नहीं कांपोगे से उपस्थिति मेरी तुम क्या है। वाणी यह की यहोवा? करते नहीं भय से लहरें उसकी यद्यपि और? सके न लांघ उसे वह कि, है ठहराया सीमा उसकी द्वारा के वधि सिनातन को बालू सकती। जा नहीं से ऊपर उसके वे तौभी, है गर्जती वे यद्यपि; सकती हो नहीं प्रबल वे तौभी, है उछलती भी मैं मन अपने वे हैं। गए चले और हैं गए फरि वे; है वदिरोही और जानेवाला फरि हृदय का प्रजा इस परन्तु अर्थात्, है देता वर्षा पर समय अपने जो, माने भय का यहोवा परमेश्वर अपने हम अब, आओ, कहते नहीं यह तुम्हारे है। रखता सुरक्षति को सप्ताहो हुए ठहराए के कटनी लयि हमारे वह; वर्षा पछिली और अगली है। रखा रोक से तुम को वस्तुओं उत्तम ने पापो तुम्हारे और, है दया कर दूर को वस्तुओं इन ने अधर्म 5:20-25 यस्मियाह

حزقیال کسانی را که ویژگی‌های نمودیافته در «دیدن و نفهمیدن» را آشکار می‌سازند، «خانه‌ای متمرّد» معرفی می‌کند. آنان خانه‌ای متمرّدند که تاریخ بنیان‌های خود را نخواهند دید؛ باکره‌های جاهلی هستند که نامتبدل مانده‌اند، زیرا پیام فرشته اول را رد می‌کنند؛ و این به منزله رد کردن همه آن‌هاست، زیرا اگر پیام فرشته اول را نپذیرید، نه می‌توانید پیام فرشته دوم را بپذیرید و نه پیام فرشته سوم را. در این وضعیت، باران آخر در زمان باران آخر از این باکره‌ها بازداشته می‌شود. پس از آن‌که عیسی این ویژگی را در روایت خود مورد خطاب قرار داد، سپس به بیان مثل برزگر پرداخت.

لیکن مبارک ہیں تمہاری آنکھیں، کیونکہ وہ دیکھتی ہیں؛ اور تمہارے کان، کیونکہ وہ سنتے ہیں۔ کیونکہ میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ بہت سے نبیوں اور راست بازوں نے آرزو کی کہ اُن باتوں کو دیکھیں جو تم دیکھتے ہو، مگر نہ دیکھ سکیں؛ اور اُن باتوں کو سنیں جو تم سنتے ہو، مگر نہ سن

سکیں۔ پس تم بونے والے کی تمثیل سنو۔ جب کوئی بادشاہی کا کلام سنتا ہے اور اسے نہیں سمجھتا، تو وہ شریر آتا ہے اور جو کچھ اُس کے دل میں بویا گیا تھا اسے چھین لے جاتا ہے۔ یہ وہ ہے جس میں بیج راستہ کے کنارے بویا گیا۔ اور جو پتھریلی زمین میں بویا گیا، وہ وہ ہے جو کلام کو سنتا ہے اور فوراً خوشی سے اسے قبول کر لیتا ہے؛ لیکن اپنے اندر جڑ نہیں رکھتا، بلکہ کچھ دیر تک قائم رہتا ہے؛ پھر جب کلام کے سبب مصیبت یا ظلم برپا ہوتا ہے تو فوراً ٹھوکر کھاتا ہے۔ اور جو کانٹوں میں بویا گیا، وہ وہ ہے جو کلام کو سنتا ہے؛ اور دنیا کی فکر اور دولت کا فریب کلام کو دبا دیتا ہے، اور وہ پھل رہ جاتا ہے۔ لیکن جو اچھی زمین میں بویا گیا، وہ وہ ہے جو کلام کو سنتا اور سمجھتا ہے؛ اور وہ پھل بھی لاتا ہے اور بار آور ہوتا ہے، کوئی سو گنا، کوئی ساٹھ گنا، کوئی تیس گنا۔ اُس نے اُن کے سامنے ایک اور تمثیل پیش کی اور کہا، آسمان کی بادشاہی اُس آدمی کے مانند ہے جس نے اپنے کھیت میں اچھا بیج بویا۔ لیکن جب لوگ سو رہے تھے تو اُس کا دشمن آیا اور گیہوں کے درمیان کڑوے دانے بو گیا اور چلا گیا۔ مگر جب پودا آگا اور پھل لایا تو کڑوے دانے بھی ظاہر ہو گئے۔ پس گھر کے مالک کے نوکر آئے اور اُس سے کہنے لگے، اے مالک، کیا تو نے اپنے کھیت میں اچھا بیج نہیں بویا تھا؟ پھر اس میں کڑوے دانے کہاں سے آ گئے؟ اُس نے اُن سے کہا، یہ کسی دشمن کا کام ہے۔ نوکروں نے اُس سے کہا، کیا تو چاہتا ہے کہ ہم جا کر انہیں جمع کر لیں؟ مگر اُس نے کہا، نہیں؛ ایسا نہ ہو کہ کڑوے دانے جمع کرتے کرتے تم اُن کے ساتھ گیہوں بھی اکھاڑ لو۔ دونوں کو فصل تک اکٹھا بڑھنے دو؛ اور فصل کے وقت میں کاٹنے والوں سے کہوں گا کہ پہلے کڑوے دانوں کو جمع کرو اور اُن کے گٹھے باندھو تاکہ وہ جلائے جائیں؛ لیکن گیہوں کو میرے کھتے میں جمع کر دو۔ متی 13:30-13:16۔

نادانہا کرکاسہا ہستند و دانایان گندم۔ در مثل دہ باکرہ، داشتن روغن است کہ تمایز میان آن دو دسته را آشکار می‌سازد؛ و در مورد گندم و کرکاسہا، این تمایز بر این مبتنی است کہ آیا بذر، کہ همان کلام است، فهمیدہ می‌شود یا نہ۔ نخستین اشارہ بہ گروہی کہ نخواهند دید و از این رو نخواهند فهمید، بہ وسیلہ موسیٰ، پیامی را کہ باید فهمیدہ شود بہ عنوان آیات و عجایب تاریخ بنیادین معین می‌سازد۔ آخرین اشارہ نبوی بہ عناصر کوری خانہ عاصی، بہ وسیلہ الن وایت، نشان می‌دهد کہ آن چشمانی کہ مبارک بودند تا آنچہ را ہمہ مردان صالح آرزوی دیدنش را داشتند ببینند، تاریخ جنبش میلری بود۔

«تمام پیغام‌هایی کہ از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شد، اکنون باید با قوت مطرح شوند، زیرا بسیاری از مردم جہت‌گیری خود را از دست داده‌اند۔ این پیغام‌ها باید بہ ہمہ کلیساها برسند۔»

«مسیح فرمود: "خوشا بہ حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند۔ زیرا ہرآینہ بہ شما می‌گویم کہ بسیاری از انبیا و عادلان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند" [17] 13:16, 17] خوشا بہ حال چشمانی کہ آنچه را در سال‌های 1843 و 1844 دیدہ شد، دیدند۔» Manuscript Releases, جلد 21, 436, 437.

عیسی ہموارہ پایان را با آغاز تصویر می‌کند، و نخستین اشارہ بہ کسانی کہ چشم دارند، اما نمی‌بینند یا درک نمی‌کنند، و آخرین اشارہ، آشکار می‌سازد کہ تاریخ بنیادین خاندان سرکش همان چیزی است کہ دیدہ نمی‌شود، و از این رو رد می‌گردد، و بدین سان مانع آن می‌شود کہ جاہلان باران آخر را تشخیص دہند۔ تاریخ ۱۸۴۰-۱۸۴۴ بہ وسیلہ رهایی اسرائیل باستان از بندگی مصر نمونہ وار گردید۔ ناکامی اسرائیل باستان در گذر از فرایند نخستین آزمون، آنان را بہ قادیان رسانید، جایی کہ گزارش دروغین دہ جاسوس را پذیرفتند و سرداری تازہ برگزیدند تا ایشان را بہ مصر بازگرداند۔ چہل سال بعد، ایشان بار دیگر بہ قادیان بازآورده شدند، و موسی با زدن صخرہ برای بار دوم، خطا ورزید۔

اگرچہ موسی ناکام ماند، یوشع همچنان پیش رفت تا ایشان را بہ سرزمین موعود رہبری کند۔ آخرین آزمون در قادیان با شورش سہمگین ہمراہ بود، زیرا عیسی ہموارہ پایان را با آغاز بہ تصویر می‌کشد؛ و شورش دہ جاسوس در قادیان در آغاز چہل سال، و نیز در پایان چہل سال، همچنین

شورش عظیم را در قادیس مجسم می‌سازد. با این همه، علی‌رغم شورش موسی در قادیس، رؤیای ورود به سرزمین موعود دیگر به تأخیر نیفتاد.

در شورش سال ۱۸۶۳، که به شورش فزاینده ۱۸۸۸ انجامید، و آن نیز به شورش فزاینده ۱۹۱۹ منتهی شد، و سرانجام در شورش ۱۹۵۷ به اوج خود رسید، عیسی آدونتیسم لائودکیه‌ای را به قادیس بازگردانید. او آنان را به همان تاریخی بازگردانید که در آن فرشته سوم فرا رسید و فرایند آزمونی را آغاز کرد که در نهایت شورش ۱۸۶۳ و تبعید سرگردانی در بیابان لائودکیه را آشکار ساخت. فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه هجده، که همان فرشته سوم است، فرود آمد، به تاریخ پایانی آدونتیسم لائودکیه‌ای وارد شد. سپس او اعلام کرد که بابل سقوط کرده است، چنان‌که در به زیر افکنده شدن برج نمرود به صورت نمادین پیش‌نمایی شده بود، آنگاه که برج‌های شهر نیویورک فرو افکنده شدند.

«پیام فرشته سوم درک نخواهد شد، و نوری که زمین را با جلال خود منور خواهد ساخت، از سوی کسانی که از گام برداشتن در جلال فزاینده آن سر باز می‌زنند، نوری کاذب خوانده خواهد شد.»
Review and Herald، 27 مه 1890.

چنان‌که در مورد اسرائیل باستان بود، در مورد اسرائیل جدید نیز چنین است. نسلی که یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را مشاهده می‌کند، آخرین نسل است. عیسی در فصل بیست و یکم انجیل لوقا فرمود که «این نسل» — و او آن نسل را کسانی معرفی کرد که در زمانی زندگی می‌کنند که آسمان و زمین زایل خواهد شد، امری که در بازگشت ثانی واقع می‌شود — از میان نخواهد رفت. آن نسلی که زنده می‌ماند تا بازگشت مسیح را مشاهده کند، نشانه‌ای را تشخیص خواهد داد که برای آنان ثابت می‌کند ایشان نسل نهایی‌اند. آنان خواهند دانست و خواهند فهمید که همان کسانی هستند که در زمان ایشان «تحقق هر رؤیا» دیگر «به تأخیر» نخواهد افتاد.

چون عیسی با شاگردان از معبد بیرون می‌رفت، از او خواستند آنچه را از ویرانی معبد مراد کرده بود برایشان توضیح دهد. آن گفتگو نمایانگر گفتگویی بود که شاگردان او در نسل نهایی خواهند داشت. شاگردان می‌خواستند دریابند که مراد او چیست، آنگاه که بارها تعلیم داده بود که کلیسای آدونتیست لائودکیه به هنگام قانون یکشنبه نزدیک الوقوع جاروب خواهد شد، زیرا پرستندگان درون آن از دهان او بیرون افکنده می‌شوند و دیگر از کسانی نخواهند بود که از جانب او سخن می‌گویند.

در پاسخ به شاگردان، عیسی ویرانی اورشلیم و تاریخی را که در پی آن آمد، تا به پایان جهان، توصیف کرد. پس از آنکه طرح کلی تاریخی را تا آیه نوزدهم بیان نمود، سپس به ویرانی اورشلیم می‌پردازد؛ ویرانی‌ای که می‌توانست هنگام صلیب واقع شود، اما در رحمت و بردباری خداوند، حدود چهل سال به تأخیر افتاد. در پایان آن چهل سال، باقیمانده‌ای از این ویرانی خواهد گریخت، اما تنها در صورتی که نشانه‌ای را که او آنگاه داد، تشخیص دهند.

در آغاز اسرائیل باستان، دوره‌ای چهل ساله وجود داشت که با داوری بر شورش ده جاسوس آغاز شد؛ داوری‌ای که به سبب شفاعت موسی، برای چهل سال به تعویق افتاد. در پایان اسرائیل باستان نیز داوری‌ای بر شورش صلیب واقع شد که به سبب حلم و رحمت مسیح، برای چهل سال به تأخیر افتاد. در هر دو تاریخ، باقی‌مانده‌ای بودند که نجات یافتند. عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز آن به تصویر می‌کشد.

عیسی به نشانه مرتبط با ویرانی اورشلیم پرداخت و آن را «ایام انتقام» نامید.

اور جب تم یروشلم کو لشکروں سے گھرا ہوا دیکھو، تو جان لو کہ اُسی کی ویرانی نزدیک ہے۔ اُس وقت جو یہودیہ میں ہوں وہ پہاڑوں کی طرف بھاگ جائیں؛ اور جو اُس کے اندر ہوں وہ نکل جائیں؛

اور جو دیہات میں ہوں وہ اُس میں داخل نہ ہوں۔ کیونکہ یہ انتقام کے دن ہیں، تاکہ جو کچھ لکھا گیا ہے وہ سب پورا ہو۔ لوقا 20:21-22۔

«روز انتقام» همان هفت بلای آخر است، و از این رو خواهر وایت ویرانی اورشلیم را با داوری اجرایی خدا در ایام آخر هم راستا می سازد.

ای قوم‌ها، نزدیک بیاوید تا بشنوید؛ و ای امت‌ها، گوش فرا دهید. زمین و هر آنچه در آن است بشنود؛ جهان و همه آنچه از آن پدید می‌آید. زیرا خشم خداوند بر همه قوم‌هاست، و غضب او بر تمامی لشکرهای ایشان؛ ایشان را به کلی هلاک کرده است، و آنان را به کشتار تسلیم نموده است. کشتگان ایشان نیز به بیرون افکنده خواهند شد، و بوی تعفن لاشه‌هایشان برخاوه‌د خاست، و کوه‌ها از خون ایشان گداخته خواهند شد. و تمامی سپاه آسمان زایل خواهد شد، و آسمان‌ها همچون طوماری درهم پیچیده خواهند شد؛ و تمامی سپاه آنها فرو خواهد افتاد، چنان‌که برگ از تاک می‌افتد، و همچون انجیر فرو افتاده از درخت انجیر. زیرا شمشیر من در آسمان آغشته شده است؛ اینک، بر ادوم و بر قوم ملعون من برای داوری فرود خواهد آمد. شمشیر خداوند از خون پر شده است، و از پیهی فربه گردیده است، از خون بره‌ها و بزها، و از پیه قلوه‌های کوچ‌ها؛ زیرا خداوند را در بصره قربانی‌ای است، و در سرزمین ادوم کشتاری عظیم. و گاوان وحشی با ایشان فرو خواهند آمد، و گوساله‌ها با گاونران؛ و سرزمین ایشان از خون آغشته خواهد شد، و خاک ایشان از پیهی فربه خواهد گردید. زیرا این روز انتقام خداوند است، و سال مکافات‌ها برای دعوای صهیون. اشعیا 34:1-8.

عیسی نخستین ارائه علنی خود را در ناصره انجام داد و خود را به‌عنوان مسیحا اعلام نمود. آن ارائه از لحاظ نبوی تحت حاکمیت قاعده نخستین ذکر بود. قرائتی که او برگزید، آشکار می‌ساخت که کار او شامل اعلام «روز انتقام خداوند» نیز هست؛ که بنا بر اشعیا، همچنین «سال مکافات‌ها برای دعوای صهیون» است.

در ناصره بود که مسیح خدمت عمومی خویش را آغاز کرد و خود را به‌عنوان مسیحا اعلام نمود. در همان‌جا بود که آنان که سخنان او را شنیدند، اما ادراک نکردند، کوشیدند او را با افکندنش از کوه به قتل رسانند. آغاز خدمت او با این نشانه مشخص شد که مردم زادگاهش درصدد کشتن او برآمدند، و پایان خدمت او نیز چنین بود که قومش او را کشتند. خدمت او برای آن بود که خود را به‌عنوان مسیحا معرفی کند؛ مقامی که چون در تعمید خویش مسح شد، بدان نائل آمد. در تعمید او، نمادی الهی فرود آمد تا تحقق پیشگویی آمدن مسیحا را تأیید کند. در 11 اوت 1840 نیز نمادی الهی فرود آمد تا پیشگویی پیام آزمون آن تاریخ را تأیید نماید. و در 11 سپتامبر 2001، نمادی الهی فرود آمد تا پیام پیشگویی‌شده آن تاریخ را، که همان پیام باران آخر است، تأیید کند.

«پس از آن‌که عیسی دو روز با سامریان به کار و خدمت پرداخت، ایشان را ترک گفت تا سفر خود را به سوی جلیل ادامه دهد. او در ناصره، جایی که ایام نوجوانی و اوایل مردانگی خود را در آن گذرانده بود، درنگی نکرد. استقبالی که در کنیسه آنجا، آنگاه که خود را به‌عنوان مسیح مسح‌شده اعلام کرد، از او به‌عمل آمد، چنان ناموافق بود که تصمیم گرفت در پی میدان‌های ثمربخش‌تری برود، تا برای گوش‌هایی که خواهند شنید و دل‌هایی که پیام او را خواهند پذیرفت، موعظه کند. او به شاگردان خود اعلام کرد که «نبی را در وطن خود حرمت نیست.» این گفته، آن اکراه طبیعی را بیان می‌کند که بسیاری از مردم در اذعان به هرگونه رشد و کمال شگفت‌انگیز در کسی دارند که بی‌تظاهر در میان ایشان زیسته و از کودکی او را از نزدیک شناخته‌اند. با این همه، همین اشخاص ممکن است نسبت به دعوای‌های یک بیگانه و ماجراجو به‌شدت به هیجان آیند.» The Spirit of

در باب بیست و یکم انجیل لوقا، مسیح آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را، یعنی نسل نهایی‌ای را که نمی‌میرند، معرفی می‌کند. او این کار را با عرضه تاریخی انجام می‌دهد که با آخرین دیدار او از آنچه پیش‌تر خانه پدرش بود، اما سپس به خانه یهودیان بدل شده بود، آغاز شد. در روایت آن تاریخی که عیسی شروع به بیان آن کرد، او به نقطه‌ای رسید که در آن اورشلیم، و معبدی که شاگردان می‌خواستند درباره‌اش بدانند، می‌بایست ویران شود (AD 70). او این ویرانی را «ایام انتقام» معرفی کرد، که بخشی از اعلان آغازین او از خدمتش بود. «ایام انتقام» نه تنها نمایانگر ویرانی اورشلیم در سال 70 بود، بلکه همچنین زمان غضب خدا را نیز که در هفت بلای آخر به تصویر کشیده شده است، نمایندگی می‌کرد.

زیرا این است روز یهوه، یهوه صباوت؛ روز انتقام، تا از دشمنان خویش انتقام گیرد؛ و شمشیر خواهد بلعید، و سیر خواهد شد و از خون ایشان مست خواهد گردید؛ زیرا یهوه صباوت را در سرزمین شمال، نزد نهر فرات، قربانی‌ای است. ارمیا 46:10.

«روز انتقام» بر بابل، که با «قربانی در سرزمین شمالی در کنار نهر فرات» نمود یافته است، با قانون یکشنبه‌ای که به زودی برقرار خواهد شد آغاز می‌گردد.

بسبب غضب الرب لا تُسكن، بل تكون خراباً تماماً. كل من يمر ببابل يندهش ويصفر استهزاءً على جميع ضرباتها. اصطفوا على بابل من حولها؛ يا جميع رامي القوس، ارموا عليها، ولا توفروا سهاماً، لأنها قد أخطأت إلى الرب. اهتفوا عليها من حولها؛ قد أعطت يدها. قد سقطت أسسها، وهدمت أسوارها، لأن هذا هو انتقام الرب. انتقموا منها؛ كما فعلت افعلوا بها. اقطعوا الزارع من بابل، وماسك المنجل في وقت الحصاد؛ ومن خوف السيف الظالم يرجع كل واحد إلى شعبه، ويهرب كل واحد إلى أرضه. إسرائيل خروف مُشتت؛ قد طردته الأسود. أولاً أكله ملك آشور، وأخراً هشم عظامه نبوخذنصر ملك بابل. لذلك هكذا قال رب الجنود، إله إسرائيل: هأنذا أعاقب ملك بابل وأرضه كما عاقبت ملك آشور. وأرد إسرائيل إلى مسكنه، فيرعى في الكرمل وباشان، وتشبع نفسه في جبل أفرایم وجلعاد. في تلك الأيام، وفي ذلك الزمان، يقول الرب، يطلب إثم إسرائيل فلا يكون، وخطايا يهوذا فلا توجد، لأنني أغفر لمن أبقیهم. اصعدوا على أرض مراثایم، عليها وعلى سكان فقود. أهربوا وحرّموا وراءهم، يقول الرب، وافعلوا بحسب كل ما أمرتكم به. صوت قتال في الأرض، ودمار عظیم. كيف انكسر وانسحق مطرقة الأرض كلها! كيف صارت بابل خراباً بين الأمم! قد نصبت لك فخاً، فأخذت أيضاً يا بابل، وأنت لم تعلمي. قد وجدت وأمسكت أيضاً، لأنك قد خاصمت الرب. فتح الرب خزانة سلاحه، وأخرج أدوات سخطه، لأن هذا عمل السيد رب الجنود في أرض الكلدانيين. تعالوا عليها من أقصى التخوم، وافتحوا مخازنها. كومتها كأكوام ودمروها تدميراً تاماً؛ لا يبق منها شيء. اقتلوا جميع ثيرانها؛ لتنزل إلى الذبح. ويل لهم، لأن يومهم قد جاء، وقت اقتقادهم. صوت الهاربين والناجين من أرض بابل، ليخبروا في صهيون بانتقام الرب إلهنا، انتقام هيكله. اجمعوا الرماة على بابل، جميع رامي القوس؛ انزلوا عليها من حولها، ولا يكن منها ناج. جازوها حسب عملها؛ حسب كل ما فعلت افعلوا بها، لأنها قد تكبرت على الرب، على قدوس إسرائيل. ارميا 29-50:13.

نابودی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، نمودار دآوری اجرایی فاحشه بابل است که با قانون یکشنبه قریب الوقوع در ایالات متحده آغاز می‌شود. عیسی می‌دانست که او سال ۷۰ میلادی را به منزله قانون یکشنبه قریب الوقوع معرفی می‌کند، زیرا او نویسنده کلام خویش است، و او همان کلام است. برای آنکه دریابیم آن علامتی که نشان می‌دهد نسل آخر فرا رسیده است چیست، مهم است که صحنه و بستر نبوتی را که عیسی در باب بیست و یکم انجیل لوقا بیان می‌دارد، تشخیص دهیم.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

آمدن مسیح در تاریک‌ترین دوره تاریخ این زمین رخ خواهد داد. ایام نوح و لوط، وضعیت جهان را درست پیش از آمدن پسر انسان به تصویر می‌کشد. کتب مقدس، با اشاره به این زمان، اعلام می‌دارند که شیطان با نهایت قدرت و «با هر فریب ناراستی» عمل خواهد کرد. ۲ تسالونیکیان ۲:۹، ۱۰. عملکرد او به روشنی در تاریکی به سرعت فزاینده، خطاها، بدعت‌ها و فریب‌های بی‌شمار این ایام آخر آشکار می‌شود. شیطان نه تنها جهان را به اسارت می‌کشانند، بلکه فریب‌های او همچون خمیرمایه در کلیساهایی که مدعی انتساب به خداوند ما عیسی مسیح‌اند نیز نفوذ می‌کند. این ارتداد عظیم به تیرگی‌ای ژرف همچون نیمه‌شب خواهد انجامید. برای قوم خدا، آن شبی از آزمایش، شبی از گریه، و شبی از جفا به خاطر حقیقت خواهد بود. اما از دل آن شب تاریکی، نور خدا خواهد درخشید.

اوست که «نور را از تاریکی می‌درخشاند.» ۲ قرنتیان ۴:۶. هنگامی که «زمین بی‌شکل و تهی بود، و تاریکی بر روی لُجه قرار داشت»، «روح خدا بر روی آب‌ها در حرکت بود. و خدا گفت: روشنایی بشود؛ و روشنایی شد.» پیدایش ۱:۲، ۳. همچنین در شب تاریکی روحانی، کلام خدا صادر می‌شود: «روشنایی بشود.» او به قوم خویش می‌گوید: «برخیز، درخشان شو؛ زیرا نور تو آمده است، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است.» اشعیا ۶۰:۱.

«اینک»، کتاب مقدس می‌گوید، «تاریکی زمین را خواهد پوشانید، و ظلمت غلیظ قوم‌ها را؛ اما خداوند بر تو طلوع خواهد کرد، و جلال او بر تو دیده خواهد شد.» آیه ۲. مسیح، فروغ تابان جلال پدر، به جهان آمد تا نور آن باشد. او آمد تا خدا را به انسان‌ها نمایان سازد، و درباره او نوشته شده است که با «روح‌القدس و قوت» مسح شد، و «گردش می‌کرد و نیکویی می‌نمود.» اعمال ۱۰:۳۸. او در کنیسه ناصره گفت: «روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده است تا به فقیران بشارت دهم؛ مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را شفا بخشم، و رهایی را به اسیران موعظه کنم، و بینایی را به نابینایان باز دهم، و کوفتگان را آزاد سازم، و سال مقبول خداوند را موعظه کنم.» لوقا ۴:۱۸، ۱۹. این همان کاری بود که او شاگردان خود را مأمور ساخت تا انجام دهند. او گفت: «شما نور جهان هستید.» «پس بگذارید نور شما چنان پیش مردم بتابد که اعمال نیکوی شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.» متی ۵:۱۴، ۱۶. انبیا و پادشاهان، ۲۱۷، ۲۱۸.